

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۹ جولای ۲۰۲۳

ترس و هراس طالب از چیست؟؟

جمعه- ۰۶ اسد ۱۴۰۲- کابل: امروز باز هم عاشوراء بود. در شهر کابل و تعداد دیگری از شهر های افغانستان که پیروان اهل تشیع به صورت کتله های وسیع زندگانی می نمایند، به یاد کشته شدن "حسین بن علی" که در همین روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری در کربلا توسط عساکر "امیر المؤمنین" همان زمان به قتل رسید بعد از ۱۳۷۴ سال باز هم مراسمی به همان مناسبت برگزار گردید.

در جریان برگزاری های امروز خلاف سال گذشته که نه تنها با آرامش و حتا تأمین امنیت نسبی تمام روز های عزاداری توسط طالب و نظام ملاسالار برگزار گردید، بلکه تعدادی از زمامداران نظام ملاسالار با شرکت در آن مراسم و تذکر نکات چندی در مدح "حسین بن علی" حمایت نظام شان را از این روز اعلام داشتند؛ در بزرگداشت امسال ضمن وضع قیوداتی چند برای مراسم و گستره آن، در جریان فیر های هوایی در شهر کابل و غزنی یک تن نیز کشته شد. در یادداشت امروز مکث کوتاهی داریم در همین زمینه که چرا طالب با تمام رجزخوانی ها و خود را "ابر قدرت" در کنار امریکا اعلام داشتن از یک فردی که دقیقاً ۱۳۷۴ سال قبل کشته شده می ترسد و علت تغییر مواضع آن نسبت به سال قبل چیست؟

۱- هرگاه خواسته باشیم دنیای پیچیده سیاست را با ساده سازی اعمال اربعه ریاضی سنجیده، همان طوری که حاصل جمع ۲+۲ را چهار می دانیم، برخورد های طالب را به بحث بگیریم و علاوه بر آن ذهن خویش را از تخدیر مواد افیونی استخباراتی نیز رها نسازیم، بسیار ساده خواهیم گفت:

"سنی های متعصب طالبی مانع برگزاری مراسم مذهبی شیعه ها شده اند"

این یعنی همان چیزی که رسانه های ارتجاعی و استعماری و وابستگان آنها از بام تا شام نشخوار می نمایند. در حالی که واقعیت اینطور نیست. زیر از یک سو طالب می داند که با تمام "یا حسین" گفتن ها از و در همان کتله های شیعه مذهب، اگر امروز یک حسین پیدا شود مقابل آن صد ها یزید از همان جا در کنار طالب ایستاده کمر به قتلش خواهند بست و از سوی دیگر تجربه دوسال حاکمیت طالب به اثبات رسانیده که ماشین کشتار طالب در بین سنی مذهبیان و همان حنفی هائی که خود نیز بدان تعلق دارند ده ها بار بیشتر فعالتر و خونریز تر بوده در مقایسه با شیعه مذهبیان.

کشتار های طالب در ولایات پروان، کاپیسا، پنجشیر، بغلان، تخار، بلخ و بدخشان را مقایسه کنید با ولایاتی که باشندگان آنها عمدتاً شیعه مذهب اند مانند بامیان، دایکندی و غزنی و حتا فسمأ هرات و قندهار.

۲- وقتی در یک ارزیابی دقیق متوجه می شویم که رقم و در صد کشتار حنفی مذهب ده ها بار بیشتر از شیعه ها است، می باید متوجه این واقعیت نیز بگردیم که چرخ ماشین کشتار طالب را قوه محرکه مذهب به کار نمی اندازد بلکه موتور محرکه این ماشین کشتار همان نگرش و دیدگاه سیاسی انحصار طالبانه، زورگویانه و جبارانه ایست که نمی خواهد به جز خودش هیچ نیروئی را حتا شریک قدرت خودش ببیند تا چه رسد به رقیب قدرت انحصاری خودش.

به نظر من در پاسخ به "ترس و هراس طالب از چیست؟" می توان بر چند نکته تأکید نمود:

الف- نفس و ذات این که "حسین بن علی" علیه "امیر المؤمنین" زمان خودش قیام می نماید و پذیرش آیت (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) را مشروط به داشتن مشخصاتی از "امیر" می نماید و در عدم موجودیت آن مشخصات، "بغاوت" علیه "امیر المؤمنین" را تقدیس نموده "جهاد افضل" اعلام می دارد، باعث می گردد تا طالب و نظام ملاسالار با عاشوراء اختلاف داشته باشند.

ب- تا جایی که از مطالعه تاریخ تشیع و نقش تکایا و حسینییه ها در پرورش افراد مبارز و ادامه مبارزه علیه حاکمیت ها بر می آید، دیده می شود که نیروهای ضد حاکمیت های جبار و ستمگر در بسیاری از مواقع با خزیدن در درون این حسینییه ها و استفاده ابزاری از آنها جهت پرورش و تعلیم افراد مطابق دیدگاه های خودشان، قادر شده اند در برخی از مقاطع تاریخ حسینییه ها را به "مدارس حزبی پرورش کادر" تغییر بدهند و از آن طریق بنیان حاکمیت را متزلزل بسازند.

پ- تا جایی که این نکته به افغانستان و سابقه استفاده جنبش چپ از تکایا و حسینییه ها به مثابه تربیون پخش عقاید خودشان بر می آید، تاریخ گواه است که جنبش انقلابی افغانستان در حدی که برایش مقدور بوده توانسته از آن به سود تبلیغ، ترویج و جذب عناصر آگاه به نفع گسترش و تعمیق افکار و روابط خودش استفاده نماید.
هموطنان گرامی!

وقتی از چنین منظری به ضدیت طالب با عاشوراء نگریسته شود، متوجه می شویم که طالب نه از "حسین بن علی" هراسی دارد و نه هم از رهبران مذهبی تشیع که در مقابل یک شکم نان حاضر اند سر صد ها "حسین" را از تن شان جدا نمایند، بلکه هراس طالب از آن است که حرکت ضد "امیر المؤمنین" به یک سنت مبدل شود و تکایا و حسینییه ها به مدارس پرورش کادرهای مبارزاتی استحاله یابند و نیروهای انقلابی بتوانند باز هم از آن طریق بستر پخش افکار و روابط شان را مهیا بسازند. بناءً گفته می توانیم که مخالفت طالب با عاشوراء عمدتاً مخالفت سیاسی است که یک نهاد استخباراتی با دورنگری مسلکی بدان دست می یازد.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!

یادداشت:

ضمن ابراز مسرت و تهنیت بابت بازگشائی مجدد پورتال، امیدوارم یادداشت های قبلی ام نیز امکان نشر بیابند.

ع.ق.